



پازولینی از زبان پازولینی

(در گفت‌وگو با جان هلیدی)

ترجمه‌ی علی امینی نجفی

نشر نگاره آفتاب، ۱۳۸۴

«بله. من همیشه نماهای کوتاه می‌گیرم. این هم یکی دیگر از نشانه‌های دوری من از نئورئالیسم است. کار با نماهای طولانی نشانه‌ی مشخصه‌ی نئورئالیسم است. دوربین ثابت است و یک صحنه را، همان‌طور که در واقعیت روی داده ثبت می‌کند. دوربین مانند ناظری مردم را تماشا می‌کند که می‌آیند و می‌روند، با هم حرف می‌زنند، به یکدیگر نگاه می‌کنند، درست مثل زندگی واقعی. من تقریباً هیچ وقت نماهای طولانی به کار نمی‌برم. از طبیعی بودن بدم می‌آید، و همه چیز را بازسازی می‌کنم. اگر هم گاهی نماهای طولانی بگیرم هیچ وقت کسی را پشت به دوربین نشان نمی‌دهم. او باید درست رو به دوربین حرف بزند. دوربین هرگز از کنار به گفت‌وگوی یک جمع نگاه نمی‌کند، بلکه وارد صحنه می‌شود و از آدم‌ها از زاویه‌های گوناگون فیلم می‌گیرد. آن وقت هر کس می‌تواند حرف خودش را بزند، من یک صحنه را هرگز با یک نما نشان نمی‌دهم.

مطلب بالا بخشی از گفت‌وگو با پازولینی است، گفت‌وگویی که جان هلیدی روزنامه‌نگار و منتقد ایرلندی - انگلیسی در سال ۱۹۶۸ در رم با پیتر پائولو پازولینی انجام داده است. هلیدی این گفت‌وگو را نخستین بار در سال ۱۹۶۹ به زبان انگلیسی منتشر کرد؛ ولی نه با نام واقعی خود که با اسم مستعار ازوالداستک.

پازولینی بی‌شک در سینمای ایتالیا جایگاه محکمی دارد. بیان سینمایی نیرومند او، دید تصویری درخشان او در داستان‌هایش از همان ابتدا توجه فیلم‌سازان را به خود جلب کرد و او را به فیلم‌نامه‌نویسی و سپس کارگردانی سوق داد.

سینما برای پازولینی نمی‌توانست جانشینی برای ادبیات باشد، بلکه تنها شکل دیگری بود از بیان ایده‌ها و طرح‌های او. هدف پازولینی نشان دادن واقعیت است. برای وی نشانه‌ها و نمادها، در شعر و رمان، برای توصیف افسون نیرومند این جهان کافی نبود. او به صحنه‌های واقعی، به خود واقعیت نیاز داشت. پازولینی در سینما به مکتب یا سبک خاصی تعلق نشان نداد. بانگاهی ویژه به همه چیز معنایی حسی می‌بخشید و آن را از رمز و راز می‌انباشت. همان‌گونه که مترجم اشاره می‌کند، سینمای پازولینی، سینمای رنج‌های بزرگ و شورهای عظیم است. سینمای او خلوص و کمال شعر را دارد. ندای اسطوره‌ای که چشم در چشم کل هستی ادا می‌شود. در این سینما، برخلاف ظاهر ساده و بی‌پیرایه‌اش، هیچ چیز تصادفی نیست. همه چیز با دقتی موشکافانه تعیین و انتخاب شده اعم از شعر گفت‌وگوها، نظم شمایل‌گون ترکیب تصاویر، مونتاژ هندسی دقیق، کمپوزیسیون نوار صدای فیلم، آرایش صورت و لباس و دکور، پس زمینه‌ی اجتماعی آدم‌ها، محل فیلم‌برداری، محل استقرار دوربین و نوع عدسی‌ها، همه چیز و همه چیز را، با وسواسی بی‌مانند، خود فیلم‌ساز تعیین کرده است.

کتاب حاضر که مجموعه گفت‌وگو است، نخست خواننده را با خطوط اصلی زندگی خصوصی پازولینی آشنا می‌کند. سپس به کارنامه‌ی حرفه‌ای او پرداخته و رشد و شخصیت هنری او را پی می‌گیرد. در ادامه مروری گذرا دارد بر نظریات او درباره‌ی سینما از دیدگاه زبان‌شناسی معاصر، افزون بر این به جهان‌بینی و بنیادهای فکری پازولینی نیز به اختصار توجه شده است.

قابل ذکر آنکه در این گفت‌وگو از چهار فیلم بلندی که پازولینی در هفت سال آخر زندگی خود ساخت، هیچ سخنی به میان نمی‌آید. و شناخت کامل سینمای هنری این سینماگر بدون توجه به این فیلم‌ها، به خصوص فیلم سالو، که خیلی‌ها حل معمای مرگ او را در آن می‌جویند، ممکن نیست. هلیدی نیز در پیش‌گفتار کتاب ترجمه‌ی آلمانی کتاب به کاستی‌های آن در همین قالب اشاره می‌کند که در آن برخی از جوانب زندگی و هنر پازولینی مسکوت مانده است، که مترجم بر آن است تا در این نوشتار برخی از این کمبودها را جبران کند.